

ما بودیم و جشن انقلاب

دهه فجر که می رسید بچه ها با تزیین کلاس، اجرای سرود، نمایش های کودکانه، روز نامه دیواری و... پیروزی انقلاب را جشن می گرفتند

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۹
۱۷ جمادی الثانی ۱۴۴۲ • ۳۱ ژانویه ۲۰۲۱
شماره ۳۰۵۸۸

۱۸۰۸



روز نامه دیواری، کار دستی دیوار نویسی و دیگران!



روز نامه دیواری یکی از محبوب ترین کار دستی های بچه ها بود. آن زمان که امکان تایپ کامپیوتری نبود، برای همین روز نامه های دیواری با دست نویس بودند، یا به صورت کولاژ از منابع دیگر بریده و روی مقوا یا شومیز چسبانده می شدند. البته شابلون هایی هم بودند که برای روز نامه دیواری خیلی به کار می آمدند. اگر بچه ها خیلی مایه می گذاشتند، با حروف برگردان آن را می نوشتند که کافی بود حروف برگردان فاسد شده باشد که با همه حروف به کاغذ می چسبیدند یا بعد از چسبیدن می ریخت! به جز متن روز نامه دیواری، عکس و تصویر های آن هم خیلی مهم بودند. دانش آموزان همیشه دنبال شاگرد هایی بودند که خط خوبی داشتند یا نقاشی بلد بودند. اگر در کلاس کسی بود که می توانست کاریکاتور بکشد که دیگر عالی می شد، یک شاه با بینی گنده و تاجی که از روی سرش افتاده بود. دو تصویر دیگر هم در ۹۰ درصد روز نامه دیواری ها حضور داشتند، امام خمینی (ره) در حال پیاده شدن از پله های هواپیما و کبوتری که به بالش تیر خورده و بانوکش یک شاخه گل گرفته. پایین روز نامه دیواری هم محل نام تهیه کنندگان بود که خب همیشه سر این که نام چه کسی اول باشد و چه کسی آخر، دعوا می شد! یکی دیگر از کار دستی های آن زمان ساخت شابلون شعار برای دیوار نویسی بود. این الگوها که با قلم عکس را دیواری ساخته می شدند، بیشتر عکس امام خمینی (ره) و شهید بودند یا شعار هایی معروف. روش کارش هم این گونه بود که شابلون را روی دیوار می گذاشتند و با اسپری روی آن رنگ می پاشیدند. البته این کار هم قلق داشت و باید شابلون کامل به دیوار می چسبید تا رنگ به اطراف سرایت نکند و کار خراب نشود. معمولاً در این دیوار نوشته ها کلمه های مهم مثل «شهید» و «انقلاب» با رنگ قرمز کار می شدند که در نوع خودش یک نوآوری بود. شعار نویسی های دستی هم بود که هنوز آثارش را می توان روی دیوار محله های قدیمی شهر ها دید. بد نیست یاد ی کنیم از سکانس معروف فیلم «بمب» یک عاشقانه که بچه ها می خواستند روی دیوار مدرسه شعار بنویسند.



شور و هیجان در مسابقات دهه فجر مدرسه و محله

یکی دیگر از تفریحات دهه فجر، برگزاری مسابقات مختلف در همه جا بود. از مدرسه گرفته تا مسجد های محله ها. مهم ترین شان هم برگزاری مسابقه فوتبال جام دهه فجر بود که پسر ها برایش سر و دست می شکستند. مسابقه هایی که در حیاط مدارس یا کوچه های خلوت یا در بهترین حالت، در سالن های ورزشی و زمین چمن محلات برگزار می شد. چه استعداد هایی که در این مسابقات به خودشان و دیگران چالش می دادند! اما نکته جالب این بود که مسابقات فوتبال این دهه فجر شروع می شد اما گاهی تا یکی دو ماه بعد ادامه پیدا می کرد. بعضی مدارس خلافت بهتری به خرج می دادند و مسابقات را در رنگ های تفریح برگزار می کردند. آن جا بود که به خاطر حضور تماشاگر، شعار ها و کری ها، هیجان بازی ها زیاد می شد و بازیکنان هم جوگیر می شدند و انواع و اقسام کارگردانی و حرکات آکروباتیک را انجام می دادند.

یکی دیگر از تفریحات دهه فجر، برگزاری مسابقات مختلف در همه جا بود. از مدرسه گرفته تا مسجد های محله ها. مهم ترین شان هم برگزاری مسابقه فوتبال جام دهه فجر بود که پسر ها برایش سر و دست می شکستند. مسابقه هایی که در حیاط مدارس یا کوچه های خلوت یا در بهترین حالت، در سالن های ورزشی و زمین چمن محلات برگزار می شد. چه استعداد هایی که در این مسابقات به خودشان و دیگران چالش می دادند! اما نکته جالب این بود که مسابقات فوتبال این دهه فجر شروع می شد اما گاهی تا یکی دو ماه بعد ادامه پیدا می کرد. بعضی مدارس خلافت بهتری به خرج می دادند و مسابقات را در رنگ های تفریح برگزار می کردند. آن جا بود که به خاطر حضور تماشاگر، شعار ها و کری ها، هیجان بازی ها زیاد می شد و بازیکنان هم جوگیر می شدند و انواع و اقسام کارگردانی و حرکات آکروباتیک را انجام می دادند.



نمایش های شیرین و پراز سوتی

دهه فجر به طور قطع برای بچه ها و دانش آموزان جذابیتی دوچندان دارد. مخصوصاً بچه های دهه شصت که در مدرسه های سختگیرانه و پر جمعیت تحصیل می کردند و مثل امروز تفریحات متنوعی نداشتند. یک سال صبر می کردند تا دهه فجر برسد و علاوه بر برنامه های تلویزیونی، از تفریحات دیگر هم بر خوردار بودند و درس و مشق برای چند روز به حاشیه برود. در مدرسه ها که اوضاع خیلی خوب بود. تقریباً هر روز از صبحگاه گرفته تا زنگ های تفریح و حتی ساعت درس، مراسم مختلفی برپا بود. یا سرود خوانی بود یا اجرای تئاتر یا مسابقه. سرود خوانی ها که داستانش مفصل بود و به آن در ادامه پرداخته ایم. تئاتر ها ولی عالم دیگری داشتند. از مدت ها قبل داستان، نمایش نامه، بازیگران، عوامل و تمرین شروع می شد. داستان ها بیشتر حول ماجراهای انقلاب می گذشت. از دستگیری انقلابی ها تا جانیت های شاه و ساواک که بچه ها برای اجرای خیلی مایه می گذاشتند. مثلاً در تئاتری قرار بود یک زندانی شکنجه شود و یک سیخ داغ به پشت شخص چسبانده شود تا هم دست هایش را ولوبدهد. همه چیز

گروه سرود دهه فجر تقدیم می کند

همه چیز از جمع شدن یک گروه پنج، شش تا ۱۰ نفره شروع می شد. انتخاب افراد گروه معمولاً داوطلبانه انجام می شد. مثلاً سر صف ازمان می پرسیدند: «کیا می خوان مضو گروه سرود شن؟» تعدادی دست بالا می کردند و بعد معاون یا معلم پرورشی که خیلی هم متخصص در امر صدا نبودند، تست صدایی می گرفتند. البته آن هایی که قیلا مضو گروه سرود بودند، نیازی به تست نداشتند. در نهایت گروه سرود تشکیل می شد. حالا نوبت تمرین کردن قبل از اجرای مراسم اصلی بود. این بخش کار از شیرین ترین بخش ها بود، چون معمولاً سر کلاس ما را می بردند و فرصت خوبی برای فرار از کلاس بود. نکته ای که البته وجود داشت این بود که چون این برنامه ها، بهمین وز مستان برگزار می شدند این احتمال هم بود که سرودی را چند روز تمرین کنیم اما در دست در روز اجرا به علت بارش سنگین برف مدرسه ها تعطیل شود و تمام زحمات هدر برود! گروه های سرود معمولاً یک تک خوان داشتند که خوش صداترین فرد گروه به حساب می آمد. یک جمله مهم هم اول اجرا باید می گفتیم و سر این که چه کسی آن را بگوید دعا بود. آن جمله خیلی



هم طولانی نبود: «گروه سرود کلاس یا مدرسه فلان تقدیم می کند». بعد هم بچه ها دست ها را پشت شان می گرفتند و صداهای دیافراگم آزادی می کردند! سرود هایی که برای این روز ها انتخاب می شدند خیلی متنوع نبودند. چند سرود معروف بود که معمولاً همان ها را اجرا می کردیم. در ادامه تعدادی شان را مرور می کنیم.

به یک صدا، جاودان ایران عزیز ما! به ناله در خون خفته / شهید دست از جان سست / قسم به فریاد آخر / به اشک لرزان مادر / که راه ما باشد آن راه تو، ای شهید / که راه ما باشد آن راه تو، ای شهید / همه به پیش ... همه به پیش / به یک صدا، جاودان ایران عزیز ما ...» همراه با خواندن این سرود پای می کویدیم و آن وسط هایش نقش گروه کر را هم به عهده می گرفتیم و با دهان ملودی را در می آوردیم. یک دکلمه ای هم داشت که این جمله بود: «که تا آخرین نفس راحت را ادامه خواهیم داد ای شهید»، شاعر این سرود جهان بخش یازو کی و ملودی آن را مجتبی میرزاده ساخته است.

ایران ایران ایران مژده شده بر ایوان! خواننده این آهنگ رضا رویگری بازیگر معروف است که آن را اوایل انقلاب خواند و سرودی جاودانه شد. یکی از حماسی ترین و خاطر انگیز ترین انتخاب ها برای گروه های سرود دهه فجر بود. بخشی از متن ترانه این بود: «ایران ایران ایران رگبار مسلسل ها / ایران ایران ایران رگبار مسلسل ها / ایران ایران ایران مژده شده بر ایوان» ویژگی مهم ترانه این بود که خودش کار تک خوان و همخوانی ها را تفکیک می کرد و یک بار که گوش می دادیم می فهمیدیم کجا را باید اجرا کنیم.

قاب جادویی در آن روز ها

سال ها پیش زمانی که مهم ترین وسیله سرگرمی مردم تلویزیون بود، همیشه شروع دهه فجر و پیروزی انقلاب برای ما با تغییر برنامه های تلویزیونی و پخش ویژه برنامه ها رنگ و بویی دیگر می گرفت. شاید سازندگان این برنامه ها، هیچ وقت فکر نمی کردند که چه نقش بزرگی در ایجاد خاطرات شاد و تاثیر گذاری در ذهن مخاطب هایشان که بیشتر کودک یا نوجوان بودند، دارند. برنامه هایی چون چاق و لاغر، سریال شاه دزد، پدر پادشاه و جامه دار، خبرنگار، دیو چوبیرون رود، تلویزیون کابلی و زمستان فجر از جمله برنامه های دهه ۶۰ و ۷۰ تلویزیون و سریال های چون مشت پر عقاب و فرار بزرگ از برنامه های خاطره انگیز دهه ۸۰ بودند که امکان ندارد در هر کدام از ما با حداقل یکی از آن ها خاطره نداشته باشیم.

چاق و لاغر! چاق و لاغر نام یک برنامه تلویزیونی بود با دعوای چاق که کنایه از صدام بود با گویندگی حسن زارعی و لاغر که کنایه از عمو سام (امریکا) بود با گویندگی حسن پور شیرازی که در دهه ۶۰ شروع به پخش شد. چاق و لاغر طرف رئیس بزرگ (که دیده نمی شد و فقط صدایش به گوش می رسید) مأموریت داشتند برنامه های جشن فجر را به بزنند. اما آن قدر دست و پا چلفتی و بی عرضه بودند که موفق به انجام دستور آن نمی شدند و رئیس بزرگ را عصبانی می کردند. آن دعوای سر سال به تلویزیون می آمدند و ماجراهای خنده دار و هیجان انگیزی را به وجود می آوردند.

سریال شاه دزد! این برنامه جزو اولین سریال های مناسبتی تلویزیون بود که با بازی کیومرث ملک مطیعی، نعمت ... گرجی، سعید امیر سلیمانی و مهین شهابی در سال ۱۳۵۹ از شبکه یک پخش شد. در این سریال چهار قسمتی، زن و شوهر سودجویی که با گول زدن عده ای از رجال رژیم گذشته پول دار شده بودند، هنگامی که قصد فرار و خروج از کشور را داشتند، دستگیر می شدند.

دیو چوبیرون رود! «دیو چوبیرون رود» یک برنامه تلویزیونی شامل چندین بخش شامل سرودهای انقلابی، مسابقه پانتومیم و یک بخش ویژه عروسکی با نام باله دان تاریخ بود که مجید قناد آن را اجرا می کرد و دهه شصتی ها خاطرات زیادی با آن دارند.

